

تحلیل احادیث انبیاء (علیهم‌السلام) وارده در منابع فریقین

اکبر توحیدلو^۱، منصور پهلوان^۲، ابراهیم اقبال^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱/۳ - تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۱۱/۲۶)

چکیده

احادیث انبیاء (علیهم‌السلام) عنوان دسته‌ای از روایات در منابع حدیثی اسلام است که بازگوکننده گفتاری از انبیاء الهی (علیهم‌السلام) و یا کتب آسمانی پیشین است. این احادیث از یکسو پراکنده و از سوی دیگر در موضوعات گوناگون است. با گردآوری و دسته‌بندی این روایات، نتایج در خور توجهی به دست می‌آید. در منابع حدیثی فریقین ۱۰۵۳ روایت به نقل از ۳۴ پیامبر وارد شده است. موضوع ۶۰٪ آن‌ها اصول اعتقادی، ۲۷٪ مباحث اخلاقی و ۱۳٪ عبادات و احکام است. این امر نشان می‌دهد که ادیان و تعالیم انبیای الهی در اصول اعتقادی یکسان هستند. در اصول اخلاقی نیز مشترکات زیادی بین آنها وجود دارد و تنها در مسائل فرعی و احکام اختلافاتی یافت می‌شود.

کلید واژه‌ها: احادیث انبیاء، ادیان الهی، اصول اعتقادی، اخلاق، عبادات و احکام، تعالیم انبیاء.

۱- طرح مساله

خداوند به منظور هدایت بشر و تامین سعادت آنها در دنیا و آخرت پیامبرانی را مبعوث ساخته است. برخی از آنها صاحب دین و شریعت و برخی مروج شریعت پیشین بوده‌اند. از آن‌رو که منشا بعثت انبیاء (علیهم‌السلام) خداوند و هدف رسالت یکسان است بدیهی

۱. نویسنده مسؤل: دانشجوی دکتری دانشگاه تهران، Email: mtohidlou@yahoo.com

۲. استاد دانشگاه تهران.

۳. استادیار دانشگاه تهران.

است که اصول مشترک و مرتبطی در ادیان الهی و تعالیم آنها وجود داشته باشد. اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین خداوند، از این قاعده مستثنی نیست، هم اصول ادیان الهی را در بر دارد و هم برنامه و تعالیم انبیاء (علیهم‌السلام) را مورد توجه قرار داده است.

بخشی از این امر، در یکی از مهمترین منابع این دین، یعنی حدیث شریف، تجلی یافته است. از این روایات دسته‌ای که بازگوکننده گفتار انبیای الهی و یا کتب آسمانی پیشین است به احادیث انبیاء تعبیر شده است. این احادیث، در منابع روایی پراکنده است. با بررسی آنها روشن می‌شود که تعداد آن احادیث ۱۰۵۳ و ناقلان آنها از انبیای الهی ۳۴ نفر است. در این میان بیشتر روایات از دو پیامبر اولوالعزم حضرت موسی و عیسی (علیهم‌السلام) نقل شده است.

این پژوهش، بیشتر به این مساله نظر دارد که احادیث انبیاء (علیهم‌السلام) به چه موضوعاتی اهتمام دارد؟ دلیل توجه زیاد به مباحثی و توجه کمتر به مسائل دیگر چیست؟ چه اشتراک و چه اختلافی در ادیان الهی وجود دارد؟

۲- مقدمه - چیستی احادیث انبیاء و مواجهه علمی با آن

حقیقت تعالیم انبیا یکی است و تفاوت میان آنها جزئی و به شرایط و مقتضیات زمان و مکان مربوط است. از این‌رو در اعتقادات و باورهای دینی میان ادیان و شرایع الهی اختلافی نیست. تنها در بررسی احکام و تکالیف شرعی تفاوت‌هایی وجود دارد. بنابراین آیین نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم‌السلام همه بر حق هستند و بین آموزه‌های آنها ناسازگاری وجود ندارد. بر این اساس، اشتراک ادیان به جهت اشتراک در منبع صدور آنها است و تعدد و تکرار آنها ناشی از تعدد انبیائی است که خداوند در اعصار مختلف مبعوث کرده است.

در این مقاله از منابع معتبر حدیثی اسلام استفاده شده است که مهمترین آنها عبارتند از: منابع شیعه شامل: المحاسن، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد برقی؛ الکافی، محمد بن یعقوب کلینی؛ بحارالانوار؛ از علامه مجلسی و مرآة العُقول فی شرح أخبار آل الرسول، شرح علامه مجلسی بر کتاب الکافی؛ الجواهر السنیه، شیخ حرعاملی؛ إرشاد القلوب إلى الصواب، حسن بن ابی الحسن دیلمی؛ تحف العقول، حسن کابن شعبه حرانی؛ تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه، شیخ حرّ عاملی؛ قصص الأنبیاء، ابوالحسین سعید بن هبة‌الله بن حسن راوندی؛ النور المبین فی قصص الانبیاء و

المرسلین، سید نعمت‌الله بن عبیدالله جزایری؛ معانی الاخبار و علل الشرائع، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محدث نوری؛ تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، ورام بن ابی فراس حلی؛ منیة المرید فی آداب المفید و المستفید، و مسکن الفؤاد، هر دو از زین الدین بن علی عاملی معروف به شهید ثانی؛ و منابع اهل سنت همچون: صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل بخاری؛ صحیح مسلم، مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری؛ مسند احمد بن حنبل؛ الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور و جمع الجوامع هر دو از، جلال الدین سیوطی؛ تفسیر طبری یا جامع البیان عن تأویل القرآن تالیف محمد بن جریر طبری؛ حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء از ابو نعیم اصفهانی؛ کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، از علاءالدین علی بن حسام معروف به متقی هندی؛ تاریخ مدینة دمشق اثر ابو القاسم علی بن حسن بن هبة الله بن عساکر شافعی دمشقی؛ الجامع المصنف فی شعب الایمان، بیهقی؛ الإتحافات السنیة بالأحادیث القدسیة، محمد عبد الرؤوف المناوی؛ مجمع الزوائد و منبع الفوائد از ابوالحسن نورالدین علی بن ابی بکر هیثمی شافعی؛ قوت القلوب فی معاملة المحبوب تالیف ابوطالب مکی؛ احیاء علوم الدین تالیف ابوحامد محمد غزالی؛ سلسله الاحادیث الضعیفه و الموضوعه دو کتاب از محمدناصرالدین البانی؛ صحیح أحادیث القدسیة، مصطفی العدوی.

در این مقاله برای جمع‌آوری اطلاعات از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و مراجعه به اسناد بوده است؛ در واقع دلیل انجام این تحقیق از دیدگاه محقق شناسایی اعتبار متنی و سندی احادیث انبیا در منابع اسلامی است.^۱

احادیث به لحاظ سند نیز بررسی شده است. و تمام احادیث موجود از پیامبران که دارای سند بودند چه سند صحیح و چه سند مرسل و یا مقطوع و منقطع مورد بررسی و تجزیه و تحلیل سند شناسانه قرار گرفته‌اند. لازم به ذکر است که در مورد اعتبار سندی تعداد کمی از احادیث در برخی از منابع اظهار نظر شده بود. به عنوان مثال علامه

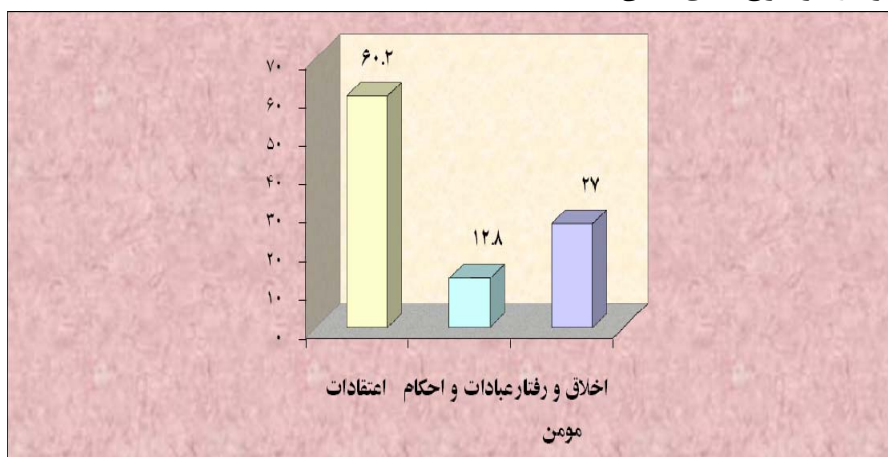
۱. در این مقاله با مراجعه به کتاب‌های معتبر حدیثی شیعه و اهل سنت احادیث انبیاء (علیهم السلام) در فریقین شناسایی و تحلیل شد. اگر حدیثی در منابع مختلف موجود بود به اصلی‌ترین منبع ارجاع شد. چنانچه حدیثی دارای چند سند بود صحیح‌ترین سند نقل شد و به سایر منابع در پاورقی ارجاعات انجام شد. و چنانچه حدیثی در بعضی منابع تقطیع شده بود کامل‌ترین متن و متن بدون تقطیع نقل شد و به سایر منابع در پاورقی ارجاع شد.

مجلسی در مورد احادیث کافی در مرآت العقول نظرات تحقیقی داشت که به آن‌ها استناد و در پاورقی ارجاع شد. و همچنین در منابع اهل سنت به ویژه در مورد احادیث قدسی به برخی نظرات اطمینان شد و سایر احادیث مورد بررسی مجدد قرار گرفت. در مرحله بعد اعتبار متنی احادیث بررسی شده و با مقایسه متون احادیث با قرآن و سایر احادیث موجود در شیعه و اهل سنت اعتبار متنی احادیث به لحاظ متنی و نداشتن تشویش و اضطراب و شذوذ و علت مورد تحقیق قرار گرفت و نتایج خوبی به دست آمد. در این مقاله جامعه آماری، کلیه کتب و منابع اسلامی در مورد احادیث انبیا است.

۳- موضوع احادیث انبیاء (علیه‌السلام)

احادیث انبیاء (علیهم‌السلام) به اعتبار موضوع به سه دسته قابل تقسیم است: اصول اعتقادی، مباحث اخلاقی و عبادات و احکام، که خود هر یک به موضوعات کوچکتری قابل دسته‌بندی است. پس از مطالعه و بررسی محتوای احادیث، در میان ۱۰۵۳ روایت نقل شده نتایجی به این صورت به دست آمد که موضوع ۶۳۴ حدیث که ۶۰,۲ درصد از احادیث مورد مطالعه را تشکیل می‌دهد اعتقادات دینی و ۱۳۵ حدیث که ۱۲,۸ درصد احادیث است عبادات و احکام و ۲۸۴ حدیث که ۲۷ درصد روایات است در موضوع اخلاق و رفتار مومن است.

نمودار موضوع‌بندی کلان احادیث



۳-۱- احادیث اعتقادی

اصول اعتقادی، اصول اساسی و اصلی هر دین است که مباحث کلی و نیز فرعی آن (دین) بر آن‌ها استوار است و بی‌توجهی به آن‌ها باعث فروپاشی آن دین است. دیندار و متدین به هر دینی، باید اصول دین خود را به خوبی بشناسد و به آن‌ها اعتقاد داشته باشد و باور آن اصول، به همه اعتقادات و نیز همه اعمال و رفتار فرد، نظام و هدف می‌دهد و عدم شناخت و اعتقاد، همه باورهای دینی و همه کارهای او را پوچ و واهی می‌سازد.

از مطالعه موضوعات این احادیث می‌توان به وحدت موضوعی آنها پی برد. وحدتی که قرآن کریم نیز در سوره‌ها و آیه‌های مختلف به آن پرداخته است. قرآن کریم اصطلاح و طرز بیان ویژه‌ای برای بیان آن دارد که از بینش خاص قرآنی سرچشمه می‌گیرد. از نظر قرآن، دین خدا از حضرت آدم (ع) تا پیامبر خاتم (ص) یکی است. (الشوری، ۱۳) چنان‌که از بررسی موضوع احادیث انبیاء چنین برمی‌آید که همه پیامبران اعم از صاحب شریعت و غیرصاحب شریعت به یک مکتب دعوت کرده‌اند و اصول مکتب آنها یکی بوده است.

آیاتی از قرآن که دلالت می‌کند دین در همه زمانها و در همه منطقه‌ها و در زبان همه پیامبران الهی یک چیز است و اختلاف شرایع از نوع تفاوت نقص و کمال است، فراوان است. این منطق که ماهیت دین یکی بیش نیست، براساس این جهان بینی از انسان و جامعه است که انسان نوع واحد است نه انواع؛ همچنان که جامعه انسان از آن نظر که یک واقعیت عینی است، فقط نوع واحد است (مطهری، جامعه و تاریخ: ۵۴-۵۶؛ همو، وحی و نبوت: ۳۸-۴۰).

چنان‌چه اصول دعوت پیامبران به یک اصل و یک هدف باشد، تفاوت شرایع آسمانی در یک سلسله مسائل فرعی و شاخه‌ای خواهد بود که برحسب مقتضیات زمان و خصوصیات محیط و ویژگیهای مردمی که دعوت می‌شده‌اند متفاوت می‌گشته است و همه شکل‌های متفاوت و اندام‌های مختلف یک حقیقت و به سوی یک هدف و مقصود بوده است.

اصول اعتقادی ادیان الهی و از جمله آن‌ها اسلام، سه اصل توحید، نبوت و معاد است. شیعه در مذهب خود دو اصل اعتقادی دیگر افزون دارد: عدل و امامت. شیعه و معتزله لزوم معرفت و شناختن اصول دین را عقلی می‌دانند اما اشاعره گفته‌اند: دلیل آن نقلی است؛ یعنی معتقدند: آیات قرآن و روایات رسیده از رسول خدا (ص) ما را موظف به شناخت اصول دین کرده است و دلیل عقلی بر لزوم آن وجود ندارد (محقق حلی، ۳۳).

احادیث انبیاء در این موضوع، بیشترین فراوانی را دارد. در میان ۱۰۵۳ حدیث بررسی شده، موضوع ۶۳۴ حدیث اصول اعتقادی است. بررسی این دسته از احادیث، به خوبی نشان می‌دهد که اصول اعتقادی ادیان الهی یکسان است و تفاوت آن‌ها، تنها در مسائل فرعی است که با مقتضیات زمان و خصوصیات مکان و تفاوت مردم ارتباط دارد. اصول اعتقادی ادیان الهی یکی است زیرا دین الهی یکی است. آیاتی از قرآن مجید بر این مطلب تاکید دارد از جمله: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أُوحِيَنا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّينا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ» (الشوری، ۱۳) یعنی: آیینی را برای شما تشریح کرد که به نوح توصیه کرده بود و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید! و بر مشرکان گران است آنچه شما آنان را به سوی دعوت می‌کنید! خداوند هر کس را بخواهد برمی‌گزیند، و کسی را که به سوی او بازگردد هدایت می‌کند. و نیز می‌فرماید: «وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَ أَقْرَرْتُمْ وَ أَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَ أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ» (آل عمران، ۸۱) یعنی: (به خاطر بیاورید) هنگامی را که خداوند، از پیامبران (و پیروان آنها)، پیمان مؤکد گرفت، که هرگاه کتاب و دانش به شما دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می‌کند، به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید! سپس (خداوند) به آنها گفت: «آیا به این موضوع، اقرار دارید؟ و بر آن، پیمان مؤکد بستید؟» گفتند: «آری (اقرار داریم!)» (خداوند به آنها) گفت: «پس گواه باشید! و من نیز با شما از گواهانم.» و آن دین واحد اسلام نام دارد: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران، ۱۹) دین در نزد خدا، اسلام است. «ما كان إبراهيم يهودياً ولا نصرانياً ولا كان حنيفاً مسلماً و ما كان من المشركين» (آل عمران، ۶۷) یعنی: ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی بلکه موحدی خالص و مسلمان بود و هرگز از مشرکان نبود.

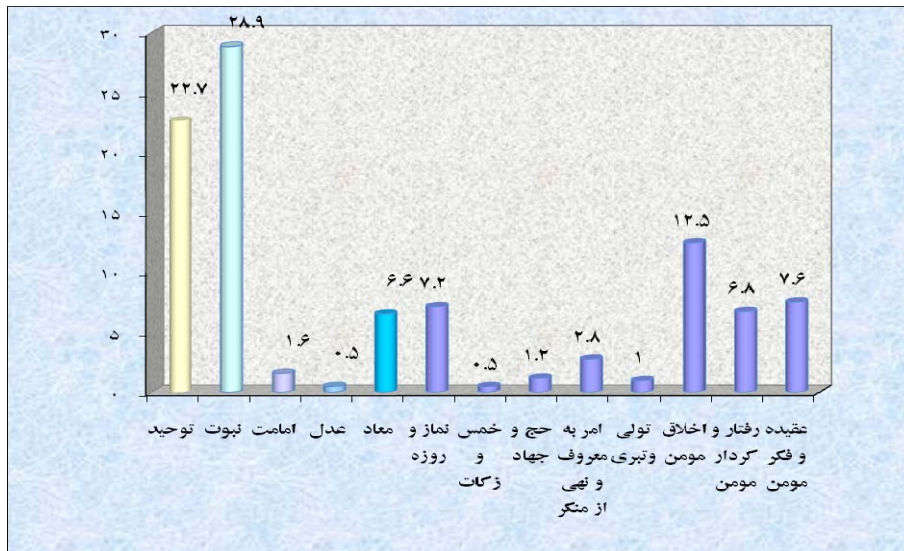
دین خدا یکی است زیرا انبیای الهی نیز همچون یک رشته واحد هستند. آیه یاد شده از سوره آل عمران نیز نشانگر این مطلب است. یکی از احادیث انبیاء (علیهم‌السلام) نیز به آن اشاره دارد شیخ صدوق با سند خود آورده است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَنَا سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَ وَصِيِّ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَ أَوْصِيائِي سَادَاتُ الْأَوْصِيَاءِ إِنَّ آدَمَ ع سَأَلَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَجْعَلَ لَهُ وَصِيًّا صَالِحًا فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ

أَنِّي أُكْرِمْتُ الْأَنْبِيَاءَ بِالنُّبُوَّةِ ثُمَّ اخْتَرْتُ خَلْقِي وَجَعَلْتُ خِيَارَهُمُ الْأَوْصِيَاءَ ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ يَا آدَمُ أَوْصِ إِلَى شَيْئٍ عَاقِبَةٍ فَأَوْصَى آدَمَ عَاقِبَةً إِلَى شَيْئٍ عَاقِبَةٍ وَهُوَ هَبَةُ اللَّهِ بْنِ آدَمَ». (صدوق، امالی، ۴۰۲؛ طوسی، امالی، ۴۴۲؛ حر عاملی، جواهرالسنیة، ۱۲؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۸/۱۷ و ۵۷/۲۳؛ صدوق، من لایحضره الفقیه، ۱۷۴/۴؛ صدوق، کمال الدین، ۲۱۱/۱؛ راوندی، ۳۷۱؛ طبری آملی، ۸۲).

در این حدیث نام اوصیای پیامبران به ترتیب از آدم تا رسول خدا صلی الله علیه و آله و از رسول خدا هم تا حضرت مهدی علیه السلام تعیین شده است. انبیای الهی یکسان هستند چون مردم امتی واحد بودند: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ» (البقره، ۲۱۳) مردم یک دسته بودند، خداوند، پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت و بیم دهند.

احادیث اعتقادی را می‌توان به موضوعات کوچکتر تقسیم کرد: موضوع ۲۳۹ حدیث «توحید»، ۳۰۴ حدیث «نبوت»، ۱۷ حدیث «امامت»، ۵ حدیث «عدل» و ۷۰ حدیث «معاد» است. و نیز موضوع ۱۳۲ حدیث از احادیث این تحقیق در موضوع «اخلاق مومن»، ۷۲ حدیث «رفتار و کردار مومن» و ۸۰ حدیث در موضوع «عقیده و فکر مومن» صادر شده است.

نمودار موضوعات احادیث اعتقادی



۳-۱-۱- توحید

مهمترین اصل در اصول اعتقادی ادیان الهی، اصل توحید است. دیگر اصول اعتقادی، فروع، احکام و عبادات همه مبتنی بر این اصل معنی پیدا می‌کند و بر آن استوار می‌شود و سرآغاز دین الهی و نخستین دعوت پیامبران و اولین برنامه ادیان الهی، توحید و شناخت خداست. در میان احادیث عقیدتی احادیث توحید با ۲۳۹ حدیث رتبه دوم را داراست. ریشه این امر را می‌توان در کمبود رشد عقلی مردم جوامع پیشین دانست زیرا نمی‌توانستند یک انسان خاکی را به عنوان پیامبر الهی بپذیرند، در نتیجه اصل توحید نیز جزو مشکلات عمده این گروه بود. مثلاً چون قادر به رویت خدا نبودند و عقول ایشان به اندازه کافی رشد نداشت که با استدلال و منطق بتواند خدای نادیده و سنن الهی را بپذیرد، در پذیرش توحید دچار مشکل می‌شدند. توحید شامل: شناخت خدا؛ حب خدا و دوستان خدا؛ صفات الهی مثل رازق، خالق، عالم، سمیع، مرید؛ پرستش و ذکر خدا؛ آداب ذکر گفتن؛ وعده و وعید الهی؛ سنن و آزمایش‌های الهی؛ علل تشریح احکام؛ ثواب و عقاب اعمال. به عنوان نمونه می‌توان به حدیث زیر اشاره کرد: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ الَّتِي لَمْ تُعَيَّرْ أَنَّ مُوسَى سَأَلَ رَبَّهُ فَقَالَ إِلَهِي إِنَّهُ يَأْتِي عَلَيَّ مَجَالِسُ أُعْزَكُ وَ أَجَلُّكَ أَنْ أَدُكَّرَكَ فِيهَا فَقَالَ يَا مُوسَى إِنَّ ذِكْرِي حَسَنٌ عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ (کلینی، ۴۹۷/۲؛ مجلسی این حدیث را صحیح می‌داند، نک: مجلسی، مرآة، ۱۲۴/۱۲؛ طوسی، تهذیب، ۲۷/۱؛ مجلسی، بحارالانوار، ۳۴۳/۱۳ و ۱۹۰/۷۷ و ۱۶۰/۹۰؛ حر عاملی، جواهرالسنیة، ۵۷ و ۳۷؛ ابن طاووس، ۱۸؛ کلمة الله، ۱۴۹؛ حسینی امینی، ۷۴؛ ابن فهد حلی، ۲۵۴؛ فیض کاشانی، ۲۹۲/۱).

۳-۱-۲- نبوت

نبوت اصل اعتقادی دوم است که به اصل توحید اتکا دارد. کسی که خدا را بشناسد و حکمت و مصلحت او را دریابد، یقین می‌کند چنین خدایی، انسان را سرگردان رها نکند، بلکه راهنمایی را برانگیزد تا بشر را در مسیر زندگی دنیوی و اخروی و رسیدن به سعادت، در سایه یکتاپرستی و اعمال صالح و اخلاق پسندیده هدایت کنند و از شرک و کفر و کارهای ناشایست و اخلاق ناپسند بازدارند.

شیخ اشراق برای ورود به بحث نبوت، از زندگی اجتماعی انسان آغاز کرده است: «بدان که چون هر یکی از مردم به همه کارها و مهمات خویش قیام نتواند نمود و از

معاملات و قصاص و مناکحات چاره نیست و بعضی مردم را از بعضی گریز نیست، پس از شرعی متبوع و قانونی مضبوط چاره نیست. پس شاعری ضروریست در هر وقتی و قومی که فاضل النفس باشد، مطلع بر حقایق، مؤید از عالم نور و جبروت» (سهروردی، ۳/ ۷۵). حال این نبی برای انجام چنان وظایف و اهدافی باید از امکانات خاصی برخوردار باشد. سهروردی براساس این مطلب آیه «عَلَّمَهُ شَدِيدَ الْقُوَى» را بدین ترتیب تفسیر می‌کند که تعلیم نبی از قدس است و این همان عقل فعال است که نبی را یاری می‌کند. و عقل فعال را نیز خداوند به قوه غیر متناهی خود ممد می‌دهد (همانجا، ۱۸۰). در میان احادیث انبیاء، ۳۰۴ حدیث مربوط به نبوت است و بیشترین میزان و رتبه اول را داراست و این احادیث خود به موضوعات کوچکتری قابل دسته‌بندی است: وحی و معجزه؛ عصمت؛ اخلاق پیامبران؛ علم پیامبران؛ خبر از آینده؛ سنت‌های فعلی پیامبران؛ قضاوت و داوری بین مردم مجادله با شیطان و نقشه‌های شیطان. به عنوان نمونه گفتاری ببینید در مجادله ابلیس با حضرت عیسی (ع): راوندی عَنِ الصَّدُوقِ عَنِ ابْنِ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّقَّارِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنِ الصَّادِقِ ع قَالَ جَاءَ إِبْلِيسُ إِلَى عِيسَى ع فَقَالَ أَلَيْسَ تَزْعُمُ أَنَّكَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ عِيسَى بَلَى قَالَ إِبْلِيسُ فَاطْرَحْ نَفْسَكَ مِنْ فَوْقِ الْحَائِطِ فَقَالَ عِيسَى وَيَلَكَ إِنَّ الْعَبْدَ لَا يُجْرَبُ رَبَّهُ وَ قَالَ إِبْلِيسُ يَا عِيسَى هَلْ يَقْدِرُ رَبُّكَ عَلَيَّ أَنْ يَدْخُلَ الْأَرْضَ فِي بَيْضَةٍ وَ الْبَيْضَةُ كَهَيْئَتِهَا فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يُوصَفُ بِعَجْزٍ وَ الَّذِي قُلْتَ لَا يَكُونُ (راوندی، ۲۶۹؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۲/۴ و ۲۷۱/۱۴ و ۲۵۲/۶۹؛ صدوق، الامالی، ۱۲۲-۱۲۳).

۳-۱-۳- عدل

احادیث عدل در این روایات منقول از انبیاء شامل: عدل تکوینی؛ تشریحی و جزایی است. البته عدل در این احادیث کمترین فراوانی را داراست. به عنوان نمونه: عَنِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ، أَنَّهُ اجْتَاَزَ بِعَيْنِ مَاءٍ فِي سَفْحِ جَبَلٍ، فَتَوَضَّأَ مِنْهَا ثُمَّ ارْتَقَى الْجَبَلَ لِيُصَلِّيَ، إِذَا أَقْبَلَ فَارِسٌ فَشَرِبَ مِنْ مَاءِ الْعَيْنِ، وَتَرَكَ عِنْدَهَا كَيْسًا فِيهِ دَرَاهِمٌ، وَذَهَبٌ مَرَّأً، فَجَاءَ بَعْدَهُ رَاعِيٌّ غَنَمٍ فَرَأَى الْكَيْسَ فَأَخَذَهُ وَمَضَى. ثُمَّ جَاءَ بَعْدَهُ شَيْخٌ عَلَيْهِ أَثَرُ الْبُؤْسِ، وَ عَلَى رَأْسِهِ حَزْمَةٌ حَطْبٍ، فَوَضَعَهَا هُنَاكَ ثُمَّ اسْتَلْقَى لِيَسْتَرِيحَ، فَمَا كَانَ إِلَّا قَلِيلٌ حَتَّى عَادَ الْفَارِسُ يَطْلُبُ كَيْسَهُ فَلَمْ يَجِدْهُ، فَأَقْبَلَ عَلَى الشَّيْخِ يَطَالِبُهُ بِهِ فَأَنْكَرَ، فَلَمْ يَزَالَا كَذَلِكَ حَتَّى ضَرَبَهُ وَكَمْ يَزَلُ يَضْرِبُهُ حَتَّى قَتَلَهُ. فَقَالَ مُوسَى: يَا رَبِّ كَيْفَ الْعَدْلُ فِي هَذِهِ

الأمور؟ فأوحى الله تعالى إليه إن الشيخ كان قد قتل أبا الفارس، وكان على الفارس دين لأبي الراعي مقدار ما في الكيس، فجرى بينهما القصاص وقضى الدين وأنا حكم عدل (طوسی، عجایب المخلوقات، ۱۵؛ دمیری، ۱۳۴/۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ۱۱۷/۶۱؛ نمازی، ۵۳۴/۸؛ شوشتری، ۳۶۸).

۳-۱-۴- امامت

احادیث امامت در این تحقیق شامل: میراث نبوت؛ وصایت و جانشینی؛ ولایت علی (ع) و اهل بیت (ع) است. به عنوان نمونه: صدوق عن ابن عبدوس عن ابن قتيبة عن حمدان بن سليمان عن الهروي قال [...] إن آدم ع لما أكرمه الله تعالى ذكره بإسجاد ملائكته له و بإدخاله الجنة قال في نفسه هل خلق الله بشراً أفضل مني فعلم الله عز و جل ما وقع في نفسه فناداه ارفع رأسك يا آدم فانظر إلى ساق عرشي فرقع آدم رأسه فنظر إلى ساق العرش فوجد عليه مكتوباً لا إله إلا الله محمد رسول الله علي بن أبي طالب أمير المؤمنين و زوجته [زوجته] فاطمة سيدة نساء العالمين و الحسن و الحسين سيّد شباب أهل الجنة (برقی، ۱۱۲/۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ۱۶۴/۱۱ و ۳۶۲/۱۶ و ۶/۲۷؛ حر عاملی، الجواهر السنیه، ۱۹۶-۱۹۷؛ صدوق، عیون اخبار الرضا، ۳۰۶/۱؛ جزائری، ۳۹؛ راوندی، ۴۵؛ صدوق، معانی الاخبار، ۱۲۴).

۳-۱-۵- معاد

معاد دیگر اصل اعتقادی است که به اصول اعتقادی پیشین و نیز به فروع و عبادات و اعمال، کمال می‌دهد. اعتقاد و باور این که زندگی انسان و هدف از خلقت او به این جهان محدود نمی‌شود بلکه این جهان پل و مسیری است برای رسیدن به زندگی ابدی. در احادیث انبیاء، معاد در چنین موضوعاتی قابل بررسی است: مرگ؛ بهشت و جهنم؛ رجعت؛ مبعوث شدن؛ روز قیامت؛ ملائکه؛ فرشتگان اعمال؛ به عنوان نمونه: ابی عوانه آورده است: «حدّثنا علی بن إسماعیل علویه، قال: حدّثنا سربج بن یونس، قال: حدّثنا مروان بن معاویة، قال: حدّثنا أبو مالک الأشجعی، عن ربیع بن حراش، عن حذیفة، قال: قال رسول الله - صلی الله علیه و سلم - : یقول إِبْرَاهِيمُ: يَا رَبَّاهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَيَقُولُ لَهُ الرَّبُّ: يَا لَبِيكَاهُ! فَيَقُولُ: أَحْرَقْتَ بَنِيَّ؟ فَيَقُولُ: أَخْرَجُوا مِنَ النَّارِ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ بُرَّةٍ مِنْ إِيْمَانٍ، مِثْقَالُ شَعِيرَةٍ مِنْ إِيْمَانٍ (ابو عوانه، ۲۴۲/۱ و ۱۵/۱؛ عسقلانی، ۴۵۵/۱۱؛ ابن حبان، ۲۵۹۷؛ مصطفی العدوی، ۳۲۹).

۲-۲-۲- آموزه‌های اخلاقی

انسان موحد گذشته از شناخت و باور اصول اعتقادی و عمل به فروع و واجبات دینی، باید صفت‌ها و خصلت‌های پسندیده را بشناسد و به آنها متصف شود و از صفات ناپسند به دور باشد و نیز رفتار شایسته با هم‌نوعان و غیر خود را بیاموزد و به کار گیرد و از اعمال ناشایست بپرهیزد، همچنین باید بداند که به چه امور بیندیشد. این مسائل که از آنها به اخلاق تعبیر می‌شود گذشته از این که به تعالی فرد و تامین سعادت او کمک می‌رساند، موجب تعالی و پیشرفت و سعادت و خوشبختی جامعه نیز می‌شود.

اصول اخلاقی به دلیل اهمیت در ادیان الهی و تعالیم انبیاء(ع) بسیار مورد توجه است و درست به همین دلیل، پس از اصول اعتقادی در مرتبه دوم قرار دارد. بر همین اساس، بخش قابل ملاحظه‌ای از آنها در منابع حدیث اسلام راه یافته است به طوری که از ۱۰۵۳ حدیث پیامبران، موضوع ۲۸۴ حدیث اخلاقی و ۲۷ درصد را تشکیل می‌دهد. این احادیث را می‌توان به سه دسته اخلاق، رفتار و فکر تقسیم کرد.

۲-۲-۳-۱- اخلاق مؤمن (اخلاق نظری)

در احادیث اصول اخلاقی، موضوع ۱۳۲ حدیث و بیشترین تعداد در این دسته، اخلاق است. علت را می‌توان در انحراف اکثر مردم نسبت به اخلاق صحیح دانست. ضمناً این احادیث را می‌توان در موضوعات کوچکتری سراغ گرفت شامل: دوستی و صداقت با مردم؛ کمک به مردم؛ تواضع؛ صبر و حلم؛ خوش‌بینی؛ سکوت؛ آداب سخن گفتن؛ حرام شمردن محرمات؛ دوری از تکبر و تحقیر مؤمنان؛ دوری از دنیا؛ دوری از شهوات و رذایل اخلاقی؛ محبت به حیوانات؛ به عنوان نمونه: در تحف العقول آمده است: «وَصَيِّتُ الْكَاطِمِ عَ لِهَشَامٍ [...] يَا هَشَامُ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنَّ عَمَلَ حَسَنًا اسْتَرَادَ مِنْهُ وَ إِنِ عَمَلَ سَيِّئًا اسْتَغْفَرَ اللَّهَ مِنْهُ وَ تَابَ إِلَيْهِ يَا هَشَامُ تَمَتَّتِ الدُّنْيَا لِلْمَسِيحِ ع فِي صُورَةِ امْرَأَةٍ زُرْقَاءَ فَقَالَ لَهَا كَمْ تَزَوَّجْتَ فَقَالَتْ كَثِيرًا قَالَ فَكُلِّ طَلَّقَكَ قَالَتْ لَا بَلْ كَلَّا قَتَلْتُ قَالَ الْمَسِيحُ فَوَيْحُ أَزْوَاجِكِ الْبَاقِيْنَ كَيْفَ لَا يَعْتَبِرُونَ بِالْمَاضِيْنَ» (حرانی، ۲۹۲؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱۵۲/۱ و ۳۲۰/۱۴ و ۳۲۸ و ۳۱۱/۷۵؛ ابی ورام، ۱۴۶/۱؛ طبرسی، ۲۷۰؛ غزالی، ۸۹۶؛ فیض کاشانی، ۱۰، ۶).

۲-۲-۳-۲- رفتار و کردار مؤمن (اخلاق عملی)

احادیث رفتار و کردار در موضوعات زیر است: احترام به پدر و مادر و فرزند؛ دوستی با

علماء، فضلاء و بزرگ‌شمردن ایشان؛ رعایت همسایه؛ اطعام مساکین، سخاوتمندی؛ آداب معامله، کار، کشاورزی و زراعت؛ علم دوستی، غیرت دینی داشتن؛ نگه داشتن اعضای بدن از خطا؛ کنترل خشم؛ سخن چینی و غیبت نکردن؛ ازدواج و مهریه؛ نوع و تأثیر غذا و آداب غذا خوردن؛ کفن و دفن، تشییع جنازه و القای شهادت بر مؤمن؛ حجاب و حیا داشتن؛ آثار اخلاق خوب و بد اعمال؛ کسب روزی حلال؛ قناعت کردن؛ قضاوت و داوری به حق؛ رعایت حلال و حرام؛ داشتن زندگی الهی؛ بخل نداشتن؛ پرهیز از حسادت. به عنوان نمونه کلینی آورده است: «عَنْ يُونُسَ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ يَا ابْنَ عِمْرَانَ لَا تَحْسَدَنَّ النَّاسَ عَلَيَّ مَا آتَيْتَهُمْ مِنْ فَضْلِي وَ لَا تَمْدَنَّ عَيْنِيكَ إِلَى ذَلِكَ وَ لَا تُتْبِعْهُ نَفْسَكَ فَإِنَّ الْحَاسِدَ سَاحِطٌ لِنِعْمِي صَادٌّ لِقَسَمِي الَّذِي قَسَمْتُ بَيْنَ عِبَادِي وَ مَنْ يَكُ كَذَلِكَ فَلَسْتُ مِنْهُ وَ لَيْسَ مِنِّي» (کلینی، ۳۰۷/۲؛ مجلسی این حدیث را ضعیف می‌داند، نک: مجلسی، مرآة العقول، ۱۷۲/۱۰؛ مجلسی، بحارالانوار، ۳۵۸/۱۳ و ۲۴۹/۷۰؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ۳۶۶/۱۵؛ شهیدثانی، ۳۲۵).

۳-۲-۳- عقیده و فکر مؤمن (اخلاق عملی)

احادیث عقیده و فکر خود شامل این موارد است: توکل به خدا؛ راضی بودن به رضای خدا؛ خلوص نیت خودشناسی برای خداشناسی؛ تسلیم اراده خدا بودن؛ احساس فقر و نیاز به خدا؛ خوف و رجا؛ توبه و استغفار؛ حسن ظن، عمل به علم سودمند؛ شاکر بودن؛ است. به عنوان نمونه در مسند احمد بن حنبل آمده است: «حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ حَدَّثَنَا سُفْيَانُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي لَبِيدٍ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ نَبِيٌّ مِنْ الْأَنْبِيَاءِ يَخْطُ فَمَنْ وَاَفَّقَ عِلْمَهُ فَهُوَ عِلْمُهُ (ابن حنبل، ۳۹۴/۲؛ أبو المعاطی نووی، ۴۸۳/۱۷؛ هیثمی، غایة المقصد بزوائد المسند، ۲۰۹۷/۲؛ هیثمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ۱۹۹/۵).

۳-۳- عبادات و احکام

دانشمندان مسلمان «فروع» را بر مسائلی اطلاق می‌کنند که به عمل و عبادات مربوط است. در مقابل «اصول» که به مباحث معرفتی و اعتقادی ارتباط دارد. فروع دین عبارت است از: نماز؛ روزه؛ خمس؛ زکات؛ حج؛ جهاد؛ امر به معروف؛ نهی از منکر؛ تولی؛ تبری. در میان احادیث انبیاء(ع) موضوع ۱۳۵ حدیث که ۱۲/۸٪ احادیث است به فروع

(عبادات و احکام) ارتباط دارد. و به اعتبار انواع فروع، موضوع ۷۶ حدیث نماز و روزه، پنج حدیث خمس و زکات، سیزده حدیث حج و جهاد، ۲۹ حدیث امر به معروف و نهی از منکر و یازده حدیث تولی و تبری است.

۳-۳-۱- نماز و روزه

در روایات مربوط به عبادات و احکام، نماز و روزه با ۷۶ روایت رتبه اول را داراست که حاکی از اهمیت نماز و روزه نزد پیامبران سایر ادیان است. نماز و روزه شامل: نماز و روزه واجب و مستحب؛ آداب نماز و مسجد و مکان عبادت؛ دعا و شرط پذیرش آن است. مانند: «مِنْ ذَلِكَ دُعَاءُ دَاوُدَ عَ عَلِيٍّ وَصَفِ التَّحْمِيدِ رَوَى أَنَّ دَاوُدَ عَ لَمَّا قَالَ هَذَا التَّحْمِيدَ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ أَتَعَبْتَ الْحَفْظَةَ وَ هُوَ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا مَعَ دَوَامِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ بَاقِيًا مَعَ بَقَائِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ خَالِدًا مَعَ خُلُودِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِكَ وَ عِزِّ جَلَالِكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۷۵/۹۲؛ ابن طاووس، ۳۱۱).

۳-۳-۲- خمس و زکات

احادیث خمس و زکات شامل: احکام و آثار خمس؛ احکام و آثار زکات؛ احکام و آثار صدقه است. به عنوان نمونه: «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ شَهْرَآشُوبَ: مُحَمَّدُ بْنُ عَمِيرٍ عَنْ رَجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سُئِلَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَ عَنْ بَدْوِ الزَّكَاةِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَيَّ أَدَمَ أَنْ زَكَ عَنْ نَفْسِكَ يَا آدَمَ قَالَ يَا رَبِّ وَ مَا الزَّكَاةُ قَالَ صَلِّ لِي عَشْرَ رَكَعَاتٍ فَصَلِّ ثُمَّ قَالَ يَا رَبِّ هَذِهِ الزَّكَاةُ عَلَيَّ وَ عَلَيَّ خَلْقِ اللَّهِ قَالَ اللَّهُ هَذِهِ الزَّكَاةُ عَلَيْكَ فِي الصَّلَاةِ وَ عَلَيَّ وَ لَدَيْكَ فِي الْمَالِ مَنْ جَمَعَ مِنْهُ وَ لَدَيْكَ مَالًا» (ابن شهر آشوب، ۱۰/۴؛ محدث نوری، ۱۱/۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ۱۰/۹۳؛ فتال نیشابوری، ۳۵۷/۲).

۳-۳-۳- حج و جهاد

احادیث حج و جهاد شامل: دعوت به جهاد با دشمنان خدا؛ احکام حج مثل تقصیر، حلق، قربانی و توبه در حج است. مانند جعفر، عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ وَ غَيْرَ وَاحِدٍ، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَارٍ، عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ، قَالَ، كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) [..] قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْحَى إِلَيَّ طَالُوتَ أَنَّهُ لَنْ يَقْتُلَ جَالُوتَ إِلَّا مَنْ لَيْسَ دَرَعَكَ مَلَأَهَا، فَدَعَى طَالُوتَ جُنْدَهُ رَجُلًا رَجُلًا فَالْبَسَهُمُ الدَّرَعَ فَلَمْ يَمْلَأْهَا أَحَدٌ مِنْهُمْ إِلَّا دَاوُدَ، فَقَالَ يَا دَاوُدُ إِنَّكَ أَنْتَ تَقْتُلُ جَالُوتَ فَابْرَزْ إِلَيْهِ فَبَرَزَ إِلَيْهِ فَقَتَلَهُ» (ابن شهر آشوب، ۱۰/۴؛ محدث نوری،

۱۱/۷؛ مجلسی، بحار، ۱۰/۹۳؛ فتال نیشابوری، ۳۵۷/۲.

۳-۳-۴- امر به معروف و نهی از منکر

احادیث امر به معروف و نهی از منکر با ۲۹ حدیث رتبه دوم را داراست. و این امر حاکی از آن است که پیامبران به هدایت درونی جوامع با استفاده از امر به معروف و نهی از منکر بسیار عقیده دارند و این عامل را یکی از عوامل کنترل کننده می دانند. احادیث امر به معروف و نهی از منکر شامل: امر به نگه داشتن اعضای بدن از گناه؛ امر به داشتن رفتار الهی؛ نهی از ارتکاب معاصی؛ نهی از زنا؛ نهی از نگاه به نامحرم؛ نهی از شراب خواری است. به عنوان نمونه بیهقی در شعب الایمان آورده است: «أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظُ، وَأَبُو عَبْدِ اللَّهِ إِسْحَاقُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يُوسُفَ الْوَسِيِّ، نَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، نَا الْحَضِرُ بْنُ أَبَانَ الْهَاشِمِيُّ، نَا سَيَّارُ بْنُ حَاتِمٍ، نَا جَعْفَرُ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَمْرٍ الصَّنَعَانِيِّ، عَنِ الْوَضِيِّ بْنِ عَطَاءٍ، قَالَ: «أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيَّ يُوْسَعُ بْنُ نُونٍ إِنِّي مُهْلِكٌ مِنْ قَوْمِكَ مِائَةَ أَلْفٍ؛ أَرْبَعِينَ أَلْفًا مِنْ خِيَارِهِمْ وَسِتِّينَ أَلْفًا مِنْ شِرَارِهِمْ، قَالَ: يَا رَبِّ تَهْلِكُ شِرَارَهُمْ فَمَا بَالُ خِيَارِهِمْ؟ قَالَ: إِنَّهُمْ يَدْخُلُونَ عَلَى الْأَشْرَارِ فَيُؤَاكِلُونَهُمْ وَيَشَارِبُونَهُمْ وَلَا يَعْضَبُونَ بَعْضِي» (کشی، ۴۲۷؛ خوبی، ۷۷/۹؛ المهدی فی القرآن و السنة، ۴۵/۱؛ مجلسی، حیوة القلوب، ۹۴/۲؛ طبری، تفسیر، ۳۷۰/۵؛ قرطبی، ۲۵۷/۳).

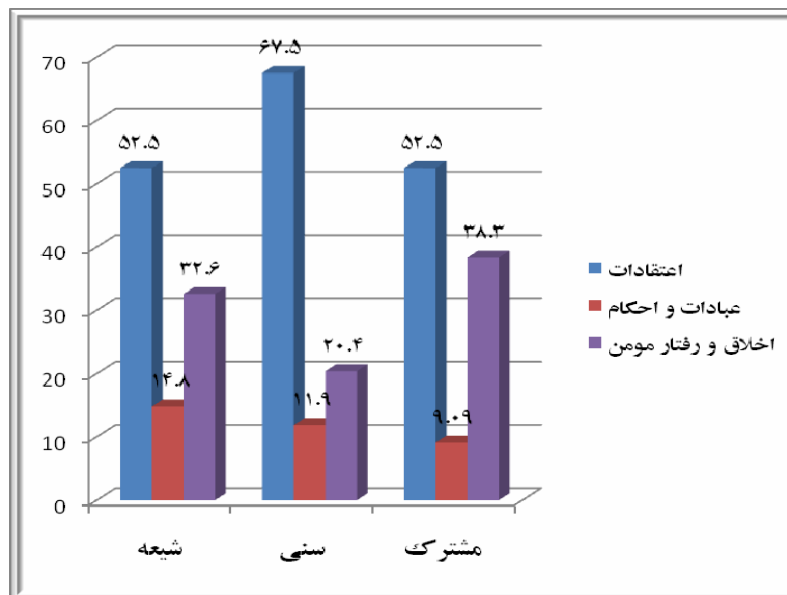
۳-۳-۵- تولی و تبری

احادیث تولی و تبری شامل: دوست داشتن دوستان خدا؛ دوست داشتن اولیای الهی؛ دشمنی با دشمنان خدا؛ دشمنی با دشمنان اولیای خدا است. به عنوان نمونه: «الرَّؤُودِي رُوِيَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ لِمُوسَى عَ هَلْ عَمِلْتَ لِي عَمَلًا قَالَ صَلَّيْتُ لَكَ وَ صُمْتُ وَ تَصَدَّقْتُ وَ ذَكَرْتُ لَكَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ أَمَّا الصَّلَاةُ فَلَكَ بَرَهَانٌ وَ الصَّوْمُ جَنَّةٌ وَ الصَّدَقَةُ ظِلٌّ وَ الذِّكْرُ نُورٌ فَأَيُّ عَمَلٍ عَمِلْتَ لِي قَالَ مُوسَى عَ دَلَّيْنِي عَلَى الْعَمَلِ الَّذِي هُوَ لَكَ قَالَ يَا مُوسَى هَلْ وَالَيْتَ لِي وَلِيًّا وَ هَلْ عَادَيْتَ لِي عَدُوًّا قَطُّ فَعَلِمَ مُوسَى أَنَّ أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْبُغْضُ فِي اللَّهِ» (محدث نوری، ۲۲۰/۱۲ و ۲۳۴؛ شعیری، ۱۲۸؛ ابن طاووس، ۲۸؛ شیرازی، ۶۸؛ طبرسی، ۱۲۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ۲۵۲/۶۶؛ بیاتی، ۶۱؛ ری شهری، ۵۱۴/۲؛ علوی الحسینی، ۱۵۷؛ غزالی، ۴۹۴؛ أطفیش، ۲۱۱/۳۳؛ بریقه محمودیه فی شرح طریقه محمدیه و شریعه نبویه، ۳۸۲/۳؛ صفوری، ۶۹).

– مقایسه «موضوع کلان» احادیث به تفکیک مذهب راوی حدیث

داده‌های جدول مقایسه «موضوع کلان احادیث» احادیث به تفکیک مذهب راویان است و نشان می‌دهد که در احادیث نقل شده از راویان شیعه، موضوع ۲۱۹ حدیث که ۵۲,۵ درصد از احادیث است «اعتقادات»، ۶۲ حدیث یعنی ۱۴,۹ درصد «عبادات و احکام» و ۱۳۶ حدیث یعنی ۳۲,۶ درصد «اخلاق و رفتار مومن» می‌باشد. و در احادیث اهل تسنن، ۳۶۳ حدیث یعنی ۶۷,۶ درصد «اعتقادات»، ۶۴ حدیث معادل ۱۱,۹ درصد مربوط به «عبادات و احکام» و ۱۱۰ حدیث معادل ۲۰,۵ درصد مربوط به «اخلاق و رفتار مومن» می‌باشد. در احادیث مشترک بین سنی و شیعه، ۵۲ حدیث معادل ۵۲,۵ درصد «اعتقادات»، ۹ حدیث معادل ۹,۱ درصد «عبادات و احکام» و ۳۸ حدیث معادل ۳۸,۴ درصد «اخلاق و رفتار مومن» است.

نمودار مقایسه‌ای «موضوع‌بندی کلان» احادیث به تفکیک مذهب راویان



نتیجه‌گیری

با بررسی احادیث انبیاء(ع) در منابع حدیثی اسلام و موضوع بندی آنها به دست می‌آید موضوع بیش از نیمی از آنها، اصول اعتقادی است. این امر نشان می‌دهد که اصول اعتقادی در ادیان الهی و تعالیم انبیاء (ع) از بالاترین اهمیت برخوردار است. از سویی

دیگر، اصول مشترک و واحد آن ادیان است. موضوع احادیث اخلاقی در مرتبه پایین تر از اصول اعتقادی و بالاتر از دیگر مباحث است. این امر گذشته از دو نتیجه یاد شده (اهمیت و وحدت) توجه به تعالیم اجتماعی و اخلاقی در ادیان الهی را نشان می‌دهد. احادیث فروع و احکام در پایین‌ترین سطح قرار دارد. این خود نشانگر آن است که ادیان در جزئیات این مباحث یکسان نیستند و چه بسا اختلاف، بیشتر به این جنبه تعلق گیرد هر چند اصل آن احکام در غالب آن ادیان وجود دارد.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن حبان، محمد بن حبان، *الصحيح*، به تحقیق شعيب الأرناؤوط، بیروت، مؤسسة الرسالة، الطبعة الثانية، ۱۴۱۴ق - ۱۹۹۳م.
۳. ابن حنبل، احمد؛ *المسند*، بیروت، دار صادر، بی تا.
۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۵۸۸ق)، *مناقب آل أبي طالب*، به تصحیح و شرح: گروهی از اساتید نجف، نجف، مطبعة حيدرية.
۵. ابن طاووس، علی بن موسی، *مهج الدعوات و منهج العبادات*، به کوشش: ابوطالب کرمانی، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.
۶. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، *عدة الداعي و نجاح الساعي*، به کوشش احمد موحدی قمی، قم، دار الکتب الإسلامی، ۱۴۰۷ق.
۷. أبو المعاطی نوری، أبو الفضل (۱۴۰۱ق)، *المسند الجامع*، بیروت: دار المعرفة، بی تا.
۸. اسفرائینی أبو عوانة، یعقوب بن إسحاق (۳۱۶ق)، *مسند*، بیروت، دار المعرفة، بی تا.
۹. ارنوط، شعيب، *مسند الصحابه فی كتب التسعة*، مصر، بی تا.
۱۰. أطفیش، محمد بن یوسف بن عیسی، *شرح النیل و شفاء العلیل*، مکتبه الإرشاد، ۲۰۰۹م.
۱۱. ایروانی، باقر، *الامام المهدي فی القرآن و السنة*، قم، مرکز الدراسات التخصصية فی الامام المهدي علیه السلام، ۱۳۸۲ش.
۱۲. برقی، احمد بن ابی عبدالله، *المحاسن*، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۰ق.
۱۳. بیاتی، جعفر، *أدب الضیافة*، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۸ ه.ق.
۱۴. بیهقی خسروجردی شافعی، ابوبکر احمد بن حسین (۴۵۸)، *شعب الایمان*، هند، دائرة المعارف، بی تا.
۱۵. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، *الکشف و البیان عن تفسیرالقرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ه.ق.

۱۶. جزائري، سيد نعمت الله، *النور المبين في قصص الانبياء والمرسلين*، قم، حبيب، ۱۳۸۶ ش.
۱۷. حر عاملي، محمد بن حسن (شيخ حر عاملي) (متوفى ۱۱۰۴)، *الجواهر السنويه*، قم: مفيد، ۱۳۸۴ ش.
۱۸. همو، *وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة*، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۰۹ ق.
۱۹. حراني، علي بن حسين بن شعبه، *تحف العقول*، لبنان، بيروت، مؤسسه اعلمي، ۱۳۹۴ ق.
۲۰. حسيني اميني، محسن، *الاحاديث القدسية المشتركة بين السنة و الشيعة*، تهران، مجمع جهاني تقريب مذاهب اسلامي، ۱۳۸۳ هـ ش.
۲۱. خادمي، ابوسعيد محمد (۱۱۷۶ ق)، *بريقه محموديه في شرح طريقه محمديه و شريعه نبويه في سيره/حمديه*، قاهره، مصطفى البابي الحلبي، ۱۳۰۸ ق. ۱۳۴۸.
۲۲. خوئي، سيد ابوالقاسم موسوي، *معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة*، نجف، مطبعة حيدريه، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ ق - ۱۹۹۲ م.
۲۳. دميري، كمال الدين محمد بن موسى، *حياة الحيوان الكبرى*، تحقيق: أحمد حسن بسج، بيروت، دارالكتب العلمية، چاپ دوم، ۱۴۲۴ ق - ۲۰۰۳ م.
۲۴. ديلمی، احمد و آذربايجانی، مسعود، *اخلاق اسلامي*، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۰ ش.
۲۵. راوندي، سعيد بن هبة الله، *قصص الانبياء*، تهران، نشر محبين، ۱۳۸۴ ش.
۲۶. ري شهري، محمد، *ميزان الحكمة*، قم، دار الحديث، ۱۳۷۵.
۲۷. سلامة، محمد خلف، *بلوغ الأرب بتقريب كتاب الشعب*، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۳۱ ش.
۲۸. سهوردي، شهاب الدين، *مجموعه مصنفات شيخ اشراق*، تصحيح و مقدمه: هانريكرين، تهران، انتشارات انجمن حكمت و فلسفه ايران، ۱۳۶۵.
۲۹. شعيري، محمد بن محمد، *جامع الأخبار*، نجف، مكتبة حيدريه، بي تا.
۳۰. شوشتری، محمد تقی، *بهج الصباغه في شرح نهج البلاغه*، تهران، اميركبير، ۱۳۸۷ ش.
۳۱. شوکانی، محمد بن علی، *فتح القدير الجامع بين فني الرواية و الدراية من علم التفسير*، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۳۱ ش.
۳۲. شهيدثاني، زين الدين بن علي، *منية المرید في آداب المفيد و المستفيد*، تهران، اسماعيليان، ۱۳۸۸ ش.
۳۳. شيرازي، سيدحسن، *كلمه الله*، تهران، جلال الدين، ۱۳۸۲ ش.
۳۴. صدوق، محمد بن علي، *من لا يحضره الفقيه*، به تصحيح: علي اكبر غفاري، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
۳۵. همو، *عيون أخبار الرضا (ع)*، قم، انصاريان، ۱۳۸۴ ش.
۳۶. همو، *معاني الاخبار*، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۳۸۹ ش.

۳۷. همو، *الأمالی*، بیروت، اعلمی، چاپ: پنجم، ۱۴۰۰ ق / ۱۳۶۲ ش.
۳۸. همو، *کمال الدین و تمام النعمه*، به تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق
۳۹. صفوری، عبدالرحمن بن عبد السلام، *نزهة المجالس و منتخب النفاثس*، به تحقیق عبد الرحیم ماردینی، بیروت/ دمشق: دار المحبة/ دار آیه، ۲۰۰۱ / ۲۰۰۲.
۴۰. طبرسی، علی بن حسن (۶۰۰ ق)، *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*، نجف، مکتبه حیدریه، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م / ۱۳۴۴ ش
۴۱. طبری، محمد بن جریر، *تفسیر الطبری*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۷ ش.
۴۲. طبری آملی، عماد الدین أبو جعفر محمد بن أبی القاسم، *بشارة المصطفى لشیعة المرتضى*، نجف، مکتبه حیدریه، چاپ دوم، ۱۳۸۳ ق.
۴۳. طوسی، محمد بن الحسن، *الأمالی*، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
۴۴. همو، *تهذیب الأحکام*، به تصحیح: حسن الموسوی خراسان، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۴۵. همو، *اختیار معرفه الرجال*، مصحح: علامه مصطفوی، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۳۸۴.
۴۶. طوسی، محمد بن محمود بن احمد، *عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات*، به تصحیح منوچهر ستوده، تهران، علمی و فرهنگی ۱۳۸۲ ش.
۴۷. طیب، عبدالحسین، *کلم طیب*، تهران، کتابفروشی اسلام، ص ۳۳۵.
۴۸. عسقلانی، ابن حجر، *فتح الباری فی شرح صحیح البخاری*، بلاق، ۱۳۰۱ ق.
۴۹. علوی الحسینی، محمد بن عقیل، *النصائح الکافیة*، حیدرآباد، ۲۰۱۱ م.
۵۰. غزالی، ابوحامد محمد بن محمد، *السیاسة المدینه*، الملقب بمبادئ الموجودات به تحقیق و مقدمه فوزی متری نجار، المکتبه الزهراء، ۱۳۶۶ ق.
۵۱. همو، *احیاء علوم الدین*، بیروت، دارالفکر، ۱۳۷۰ ق.
۵۲. فاضل مقداد، ابن عبدالله سیوری، *ارشاد الطالبین به تحقیق سید مهدی رجایی*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ ق
۵۳. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*، قم، انتشارات رضی، ۱۳۷۵ ش.
۵۴. فخر رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق
۵۵. فیض کاشانی، محسن بن مرتضی، *المحجبه البیضاء فی تهذیب الاحیاء*، به تصحیح علی اکبر غفاری، بیروت، موسسه الاعلمی، ۲۰۰۵ م.

۵۶. قرطبي، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۵۷. قزويني، محمد حسن، *كشف الغطاء*، بيروت، دارالكتاب العربي، بی تا.
۵۸. كليني رازی، محمد بن يعقوب، *الكافي*، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۶۵ هـ.ش.
۵۹. مجلسي، محمد باقر، *بحار الانوار*، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۸۸ هـ.ش.
۶۰. همو، *حيوة القلوب*، تهران، اسلاميه، ۱۳۷۷ ش.
۶۱. همو، *مرآة العقول*، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۸۹ ش.
۶۲. محقق حلي، جعفر بن حسن، *المسلك في اصول الدين*، مشهد، مجمع البحوث الاسلاميه، اول، ۱۳۷۳ ش.
۶۳. الشرييني محمد بن أحمد، *السراج المنير*، بيروت، دارالكتب العلمية، بی تا.
۶۴. محمدی، مجيد، *فارابي و فلسفه نبوت*، مجله كيهان انديشه، بهمن و اسفند ۱۳۷۰، شماره ۴۰.
۶۵. همو، *ملاصدرا و فلسفه نبوت*، مجله: كيهان انديشه، مرداد و شهريور ۱۳۷۱، شماره ۴۳.
۶۶. نمازی، حسين بن علي، *مستدرک سفينة البحار*، قم، جامعه مدرسین حوزه علميه قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۳۸۵ ش.
۶۷. نوري، ميرزا حسين، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، تحقيق مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۶۸. مصطفی العدوی، *صحيح احاديث القدسيه*، رياض، دارالمسلم، ۱۴۱۴ ق.
۶۹. مطهری، مرتضی، *ختم نبوت*، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۱ ش.
۷۰. همو، *مقدمه ای بر جهان بينی اسلامي*، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۹ ش.
۷۱. همو، *جامعه و تاريخ*، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۹ ش.
۷۲. همو، *انسان كامل*، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۹۰ ش.
۷۳. همو، *اسلام و مقتضيات زمان*، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۹۰ ش.
۷۴. ورام بن ابی فراس، *مجموعه ورام*، تهران، دارالكتب الاسلامي، ۱۳۸۶.
۷۵. هيثمي، علي بن أبي بكر بن سليمان، *غاية المقصد في زوائد المسند*، مكتبة صيد الفوائد، ۱۳۷۶ ق ۱۹۵۶ م.
۷۶. هيثمي، نورالدين علي بن ابی بكر، *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، بيروت، دارالكتاب العربي، ۱۹۶۷ م.

